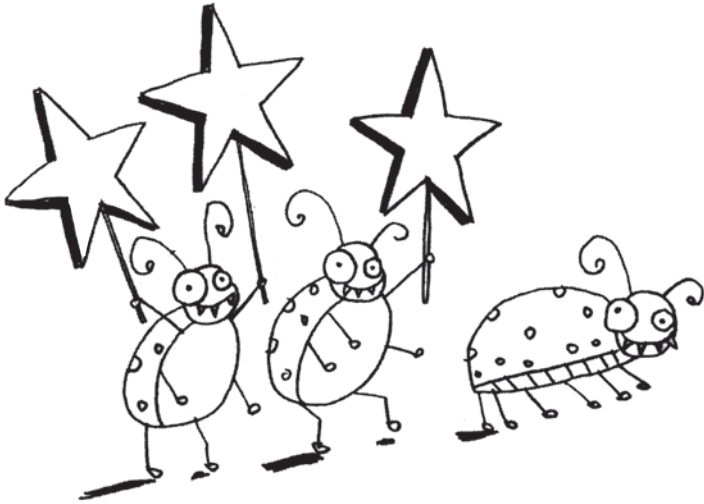


با خواندن این کتاب

سختا سختی ملائیم

وی گیرید.

(عجب انتفاع فوبی)



بچه‌ها و بازی
مالی
(و چیزهای نو و ب‌دیگر)

نویسنده و تصویرگر:
لیز پیشون

مترجم: بهرنگ ربیعی





TOM GATES #2:

EXCELLENT EXCUSES (And Other Good Stuff)

Text & Illustrations © Liz Pichon, 2011

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن (scholastic) خریداری کرده است.
انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران و مترجمان دیگر مخالف قوانین بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای نشر است.



سرشناسه: پیشون، لیز Pichon, Liz
 عنوان و نام پدیدآور: بهانه‌های عالی (و چیزهای خوب دیگر) نوشته‌ی لیز پیشون، مترجم بهرنگ رجبی؛ ویراستار هدا توکلی. مشخصات نشر: تهران: هوپا، ۱۳۹۴. مشخصات ظاهری: ۲۵۴ ص: مصور، فرست: تام گیتس؛ ۲.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۵۶-۶ دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۵-۹-۳
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: ۲۰۱۱. یادداشت: کتاب حاضر قیلا تحت عنوان "بهانه‌های باحال (و ماجراهای جالب دیگر)" توسط انتشارات افق در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است.
 عنوان دیگر: بهانه‌های باحال (و ماجراهای جالب دیگر).
 موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) - قرن ۲۱ م. شناسه افزوده: رجبی، بهرنگ، ۱۳۶۰ - مترجم شناسه افزوده: توکلی، هدا، ۱۳۶۱ - ویراستار رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ب ۹ / ۸۸۳ پ / ۷ / PZ ۷ [ج] رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۲ [ج] شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۴۱۵۸۸



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵
تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰

www.hoopa.ir
info@hoopa.ir

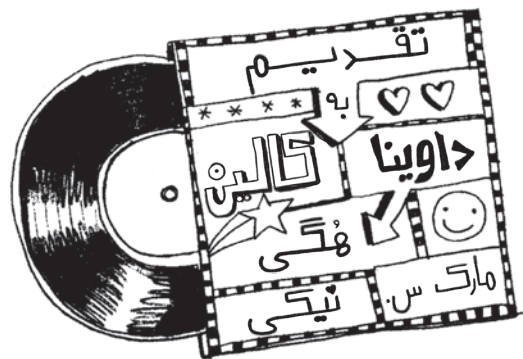
تام گیتس/۲

بهانه‌های عالی (و چیزهای خوب دیگر)

نویسنده و تصویرگر: لیز پیشون
 مترجم: بهرنگ رجبی
 ویراستار: هدا توکلی
 مدیر هنری: فرشاد رستمی
 تایپوگرافی: سآتیا باجلان
 طراح گرافیک: مهدخت رضاخانی

ناظر چاپ: مرتضی فخری
 چاپ بیستم: ۱۳۹۶
 تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان
 شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۵-۹-۳
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۵۶-۶

« همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است. استفاده‌ی بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی آن مجاز است. »



ترجمه‌ای برای

آقای سورنا گلکار

رفوردنی‌هایی که فوراً نشان مشقمان است.



امروز صبح از خواب بیدار شدم

و یکهو چیز خیلی معرکه‌ای یادم آمد!



می‌توانم درس‌ها را کلاً از ذهنم پاک کنم



(چیزهای ناراحت‌کننده‌ای مثل مارکوس ملدر را هم)

و تمرکز را بگذارم روی کارهای 'فوبی' مثل:

😊 **بجرا** کردن راه‌های تازه‌ای برای عصبانی کردن

خواهرم دلیا. (خیلی راه‌های زیادی!)

😊 **کشیدن** نقاشی

(نقاشی‌هایی که دلیا را عصبانی می‌کند). هاها!

😊 **تماشای** تلویزیون

و خوردن ویفر کاراملی.

😊 **فوردن** ویفر کاراملی

و تماشای تلویزیون

و **متر** از همه...



تمرین گروه موسیقی

سگ‌های آدمخوار



با درک

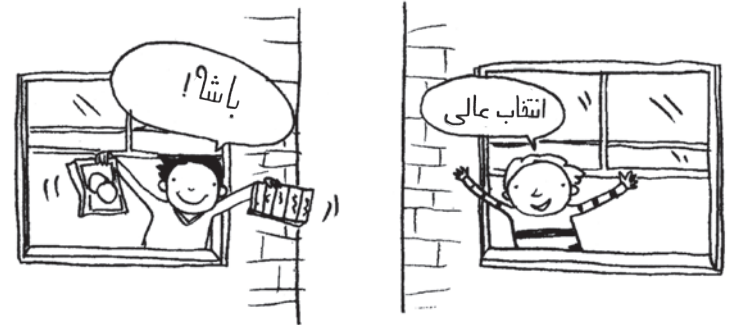
(که بهترین دوست من و همسایه‌ی

بغلی مان است).

zzzzzzzzzzzzzzzzzzzz

شب برنامه‌مان این است که شب را دوتایی خانه‌ی آن‌ها

بمانیم. کار ساده‌ای است، چون خیلی به ما نزدیکند.



یکی دیگر از خوبی‌های رفتن به خانه‌ی درک این است که او

هیچ خواهر روی اعصابی ندارد



(برعکس من)...

یک سگ دارد که اسمش خروس است.



می‌دانم برای یک سگ اسم احمقانه‌ای

است، ولی من که دارم به‌اش عادت می‌کنم

(بفهمی نفهمی).

بعضی وقتها خروس هم می‌تواند تقریباً به اندازه‌ی دل‌یا روی اعصاب

باشد. به خصوص وقت‌هایی که دست برنمی‌دارد از



درک هر از گاهی برایش یک بسته غذای سگ پرت می‌کند تا خفه‌اش کند.

به به





(اوضاع به نظر خوب نمی آید... آه.)

کاش می توانستم با یک بسته غذای سگ دلیا را خفه کنم... چقدر خوب می شد.



ولی اگر جواب نداد، من عینک آفتابی دلیا را به اش می دهم بچود.

جویدن عینک آفتابی دلیا تا صدای عسسه ها خوش و خوشحالش می کند.

همین الان می توانم صدای دلیا را بشنوم که دارد بیرون اتاق خواب من هی این ور و آن ور می رود (این کارش معمولاً یعنی دردسر).

این است که می دهم به در اتاقم تا نگذارم بی اجازه سرش را بیندازد پایین و بیاید تو.

هر جور شده باز هم موفق می شود سر گنده اش را از لای در بیاورد تو.

می گوید...

قُب

تازه یادم آمد.

به آقا و خانم گیتس
درباره‌ی حمله‌ی سنگ به تام گیتس

آقا و خانم گیتس عزیز،
واقعاً امیدوارم حال تام بعد از اینکه روز آخر ترم آن سنگ خبیث در راه
مدرسه به‌اش حمله کرد خوب شده باشد.
چقدر خوش اقبال بود که دفتر مشقش همراهش بود و توانست با آن از
خودش دفاع کند.
خیلی خوشحالم که آن سنگ فقط مشق‌های تام را جوید، نه خود او را.
همراه این نامه یک تکلیف دیگر است، نوشتن درباره‌ی یک فیلم /
کتاب / برنامه‌ی تلویزیونی که تام باید در طول تعطیلات دوباره انجامش
بدهد.

امیدوار باشیم در آینده سروکله‌ی هیچ جانور عصبانی دیگری پیدا نشود!
بسیار ممنون بابت همکاری تان.

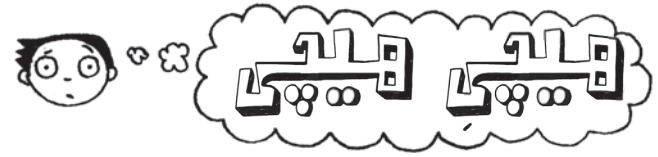
با احترام

آقای فولرمن

معلم کلاس پنجم اف

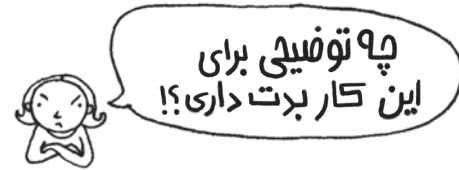


ماوان را که می‌بینم یک نامه از طرف مدرسه
دستش است. واقعاً خیلی سعی می‌کنم یادم بیاید
چه کار کرده‌ام که ممکن است من را توی دردرس انداخته باشد.



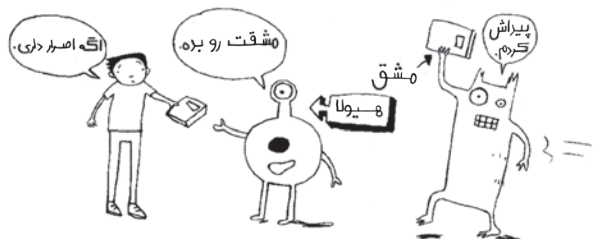
... هیچی به ذهنم نمی‌رسد،
(من بی‌گناهم.)

ولی به هر حال ماوان دارد نگاهم می‌کند، از آن نگاه‌های



حتماً چیزی را یادم رفته. نامه را می‌دهد به‌ام که بخوانم.

(یا در حقیقت هیچ جانور دیگری را هم بهانه نکنم.)



۳. **اتاقم** را تمیز کنم. (این یکی را مامان اضافه کرد.)

ولی این هم هست که الان دست کم



وقت دارم برای اینکه مشقم را بنویسم.

با اینکه احتمالاً تا آخرین لحظه‌ی ممکن هم سراغش نمی‌روم، مثلاً تا شب

قبل رفتن دوباره به مدرسه، ولی ماجرا برای من جواب می‌دهد.

۴. **کار** سعی می‌کنم با اجرا کردن دوباره‌ی **کل** صحنه با حرکات آهسته برای مامان توضیح بدهم چه اتفاقی برایم افتاد.



(چاره‌ای نداشتم... یا باید خودم را نجات می‌دادم یا مشق را.)

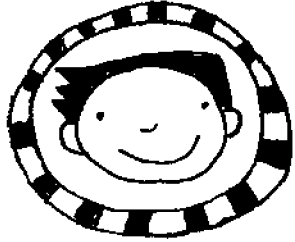
ولی توضیح روی مامان تأثیری **نداشته**. فکر کنم مشکوک شده که نکند ماجرای حمله‌ی سگ را از خودم درآورده‌ام (که واقعاً هم از خودم درآورده‌ام).

توضیح حالا مجبورم قبول کنم که:

۱. **تکلیفم** را انجام بدهم. (دوباره)

۲. **اگر** مشقم را ننوشته‌ام، سگ‌های خیبت را بهانه نکنم.





نشر هوپا منتشر کرده است:

یک مجموعه‌ی رمان گرافیکی

از زندگی سراسر طنز و شوخی یک پسر بچه‌ی باحال

سرک کشیدن توی زندگی معرکه‌ی یک پسر بچه‌ی

وروجک که عاشق موسیقی و نقاشی است و از

درس و مدرسه فراری، چه مزه‌ای دارد؟

با تام گیتس همراه شوید و حسابی بخندید!

بله!



عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا ناشر کتابهای خوردنی



نشر هوپا همگام با بسیاری از ناشران بین‌المللی از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند، چرا که:
نور را کمتر منعکس می‌کنند و چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود.
سبک‌تر از کاغذهای دیگرند و جابه‌جایی کتاب آسان‌تر می‌شود.
و مهم‌تر اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر.....